



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۸/۱۴



ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

آزادی!!!

بمناسبت یکصدمین سال استرداد استقلال افغانستان



پوره یکصد سال از پایان جنگ و امضای پیمان صلح با ابر قدرت یکه تاز استعماری دوران، «برتانیه کبیر» می گذرد. مناصف این یک قرن، در پرتو رژیم شاهی، با فراز و نشیب ها و تلخ و شیرین های فراوان، اما با آرامش نسبی سپری شد.

گرچه، در خفا، ترسیده و لرزیده زمزمه هایی در وابستگی اعلیحضرت محمد نادر شاه، جریان داشت، اما، ما که بعد از شهادت او و روی کار آمدن پسر تازه جوانش «شهباز محمد ظاهر شاه» مرحوم دوش با دوش، تا این سن و سال رسیده ایم، شاهد تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی ای بودیم که با وجود فقر مالی در تمام ساحات، حرکتی ولو بطنی، به پیش جریان داشت و نامی از بیگانه و بیگانه پرستی و مداخله آشکار در مملکت وجود نداشت.

عضو فعال ممالک غیر منسلک بودیم. در پرتو آرامش، دروازه های مکاتب و فاکولته ها و پوهنتون و تحصیل برای همه اقشار مردم افغانستان میسر و مهیا بود و بورس های خارج به غرض تحصیلات عالی تا درجه دکتورا موجود بود، قیود شبگردی و روز گردی دیده نمی شد مردم در سراسر مملکت با آرامش زندگی داشتند و کسی بی موجب سبب آزار و اذیت کس نمی شد.

از نیمه دوم قرن بیست، مملکت دستخوش کودتا ها شد و ناآرامی ها به تدریج آغاز گردید. پای بیگانگان در مملکت باز شد و قشون خون آشام اتحاد شوروی برای تسخیر کامل افغانستان، هجوم آورد، مردم مجبور به مهاجرت در ممالک همسایه شدند و با قیام علیه بیگانگان جان های شیرین خود را قربان کردند.

قشون سرخ خجالت زده، سرزمین ما را ترک گفت، اما بی نظمی ها و خود خواهی های پس از آن سبب شد که قشون سفید «؟» به نام های مختلف بر ما هجوم آورد و اینک چهار دهه اخیر قرن بیست را مردم مظلوم ما با خون و آتش دست و پنجه نرم کرده اند و با درد و تأسف که هنوز هم می کنند و هر روز عضوی از خانواده را از دست می دهند. منظومه بی دارم که به اعزاز و احترام از آزادی سال ها قبل سروده شده است و یکبار دیگر تقدیم حضور خوانندگان وبسایت عزیز (آریانا افغانستان آنلاین) می کنم:

آزادی

بلند از کوهساران وطن شد زنگ آزادی

به گوشم میرسد پیغام خوش آهنگ آزادی

نسیم روح پرور می وزد از بام هندوکش

دمد بر کوه و صحرا لاله خوشرنگ آزادی

طلسم قدرت اهریمن دوران ز هم پاشید

بشد فرمانروای صلح، بر اورنگ آزادی

چسان برخود نبالم وز چه آخر ناز نفروشم

که آمد دلبر زیبا و شوخ و شنگ آزادی

بنازم همت مرد دلیر قوم "افغان" را

که جان را در ره ناموس داد و ننگ آزادی

به طوفان قیام نو جوانان وطن نازم

که خم کردند پشت روس با غورزنگ آزادی

چه خونها ریخت در دامان پاک مادر میهن

زن و مرد و جوان و پیر ما، در جنگ آزادی

فرو افتاد کاخ بردگی و قصر استبداد

به مشت آهنین، با کوبه و با سنگ آزادی

به قومی افتخار غیرت و مردانگی زبید
که دارد مشرب جانبازی و فرهنگ آزادی
(اسیر) امروز از شادی به پیراهن نمی گنجی
که رستی از اسارت، آمدی در چنگ آزادی

م. نسیم «اسیر» ۳۰ اپریل ۹۳م، بن المان

**** **

آزادی

تذکر:
هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و سروده های دیگری از این شاعر معزز را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "ارشیف" شان رهنمائی شوند!

بمناسبت صدمین سال استقلال افغانستان

assir_n_sadomin_saal_esteqlal_afghanistan.pdf